

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

بانوی نخبهٔ جهان اسلام



طاهره صفارزاده، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم قرآن در ۲۷ آبان سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد. در ۶ سالگی تجدید و قرانت و حفظ قرآن را در مکتب‌خانه ام‌وخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. نخستین شعرش را در ۱۳ سالگی سرود و اولین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد. صفارزاده برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه آیوا هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد. او پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان علم و برگزارکننده نخستین نقد علمی ترجمه در دانشگاه‌های ایرانی بود. پس از انقلاب اسلامی در دانشگاه شهید بهشتی به عنوان رئیس دانشگاه و نیز رئیس دانشکده ادبیات انتخاب شد. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی استاد نمونه اعلام شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه «قرآن کریم» به افتخار عنوان خادم القرآن نایل شد.

در ماه مارس ۲۰۰۶ هم‌زمان با برپایی جشن روز جهانی زن از سوی سازمان نویسندگان آفریقا و آسیا به عنوان شاعر مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان برگزیده شد. از او علاوه بر مقالات و مصاحبه‌های علمی، بیش از ۱۴ مجموعه شعر و ۱۰ کتاب ترجمه و نقد ترجمه در زمینه‌های ادبیات، علوم قرآنی و حدیث منتشرشده و گزیده سروده‌های او به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. طاهره صفارزاده چهارم آبان ۱۳۸۷ درگذشت.

خودزنی / محیط زیست

سند ملی «گرد و غبار» آماده شد

مدیرملی ستاد مقابله با پدیده گرد و غبار سازمان حفاظت محیط زیست از آماده شدن مرحله اول سند ملی گرد و غبار خبر داد و گفت: سندبخش‌های شناخت منشاء‌ها و برنامه عمل یا برش استانی خواهد داشت که در مورد استان خوزستان بخش شناخت منشاء‌های استانی پایان یافته و هفته آینده در جلسه‌ای با دستگاه‌های اجرایی استان انتخاب چشمه‌های موثرتر در تولید گرد و غبار انجام خواهد شد تا با مساعد شدن فصل کاری، اعتبارات محدود را بجا و بموقع هزینه کنیم.

ضیاءالدین شاعی در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس «محیط زیست» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با بیان اینکه سند ملی گرد و غبار دارای برش‌های استانی است و این سند در بخش منشاء برای چند استان آماده و انتشار یافته است، تصریح کرد: به دلیل اینکه سند ملی گرد و غبار یا برش‌های استانی تهیه می‌شود، پس از جمع‌بند عنوان سند ملی معروف شد.

وی با اشاره به اینکه قول داده بودیم مطالعات منشأیابی استان‌ها را در شش ماه اول سال انجام دهیم، اظهار کرد: در حال حاضر این سند و نتایج مطالعات منشأیابی استان‌های خوزستان، ایلام و کرمانشاه آماده شده است، بنابراین مرحله بعد هماهنگی با دستگاه‌های متولی و تدوین برنامه عمل خواهد بود. مدیر ملی ستاد مقابله با پدیده گرد و غبار سازمان حفاظت محیط زیست با تاکید بر اینکه اجرای برنامه عمل در سطح وسیعی بوده و امری طولانی است و شاید اجرای برنامه‌ها دو دهه اقتضا کند، گفت: برنامه عمل هم دارای ابعاد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت خواهد بود که مجموعه آن مطالعات و برنامه‌ها در آینده باید سند مبنای کار باشد تا در بلندمدت حتی با تغییر، نوسان و یا کم شدن شدت گرد و غبار این موضوع به فراموشی سپرده نشود و برنامه‌ریزان بدانند برای دستیابی به نقطه ایده‌آل با سناریوهای مختلف کم‌بارش، بارش نر مال و پر بارش چه دستورالعمل‌هایی باید رعایت شود تا این برنامه در طول یک برنامه دراز مدت اجرا شود. شاعی با اشاره به اینکه بخش شناخت سند مربوط به استان خوزستان آماده شده و در مرحله ویراستاری است، اظهار کرد: در استان خوزستان نه تنها منشأها که حدود ۳۰۰ هزار هکتار است شناسایی شده بلکه حدود ۱۰۰ هزار هکتار هم به عنوان مناطقی شناسایی شده که در صورت استمرار خشکسالی ممکن است منشأهای جدید شوند.

وی با بیان اینکه برنامه‌ها بر اساس نتیجه مطالعه تدوین خواهد شد، اظهار کرد: با توجه به آیین‌نامه اجرایی که در کمیته راهبردی در ۲۵ مهر ماه تصویب شد، دستگاه‌ها مکلف می‌شوند که متناسب با نتیجه این مطالعات، برنامه عمل دستگاهی خود را به تفکیک برنامه‌های استانی اعلام کنند.

مدیرملی ستاد مقابله با پدیده گرد و غبار سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به اینکه در حال حاضر با توجه به تخصیص اعتبارات سازمان جنگل‌ها در بخش مقابله با منشاء گرد و غبار قرار است به محض مساعد شدن شرایط برنامه اجرایی استان خوزستان با همکاری کلیه دستگاه‌های مسئول آغاز شود، گفت: در این زمینه برنامه‌ریزی اولیه نظیر تهیه نهال و انتخاب پیمانکار در حال انجام است، البته قرار است جهت تسریع در امور از توان تشکل‌های مردمی، نیروهای مدارس و دانشگاه‌ها و بسیج مستضعفان نیز استفاده شود.



فارسی را پاس بداریم

آیا دانشمندان ما به واکسن بدنوسی دست خواهند یافت؟

بیماری مسری؛ این درست‌ترین عبارتی است که تا امروز برای توصیف «بدنوسی» به ذهن نا‌توانم رسیده است. بنده به جد معتقدم که بدنوسی یک بیماری مسری است و بیماری مسری هم بزرگ و کوچک و زن و مرد و پیر و جوان نمی‌شناسد. وقتی می‌رسد یقه‌ی همه را می‌گیرد و هرکه را که زورش کمتر باشد، زودتر از یاد می‌آورد.

راستش را بخواهید وقتی به این فکر می‌کنم که بیماری بدنوسی به طرز فجیعی در میان ما شایع شده دلم می‌خواهد برگردم به روزگار آن دور. بسیار بسیار دور. به زمانی که تنها عده‌ای محدود از نعمت سوادآموزی و خواندن و نوشتن برخوردار بودند و دیگران -یعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم -سر در کار خود داشتند و نه می‌خواندند و نه می‌نوشتند. آن وقت‌ها حداقل این فارسی مادر مرده، زبان به زبان می‌چرخید، نه دست به دست؛ آن هم روی گوشی‌های تلفن همراهی که عرض و طول شان گاهی واقعا آدمی را به خنده می‌اندازد.

فاصله میان گفتن تا نوشتن، فاصله عجیبی است. اغلب ما وقت حرف زدن می‌توانیم یک ماجرا

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

خدایا اسرار من و خانواده‌ام را تاابد پوشیده‌نگهدار

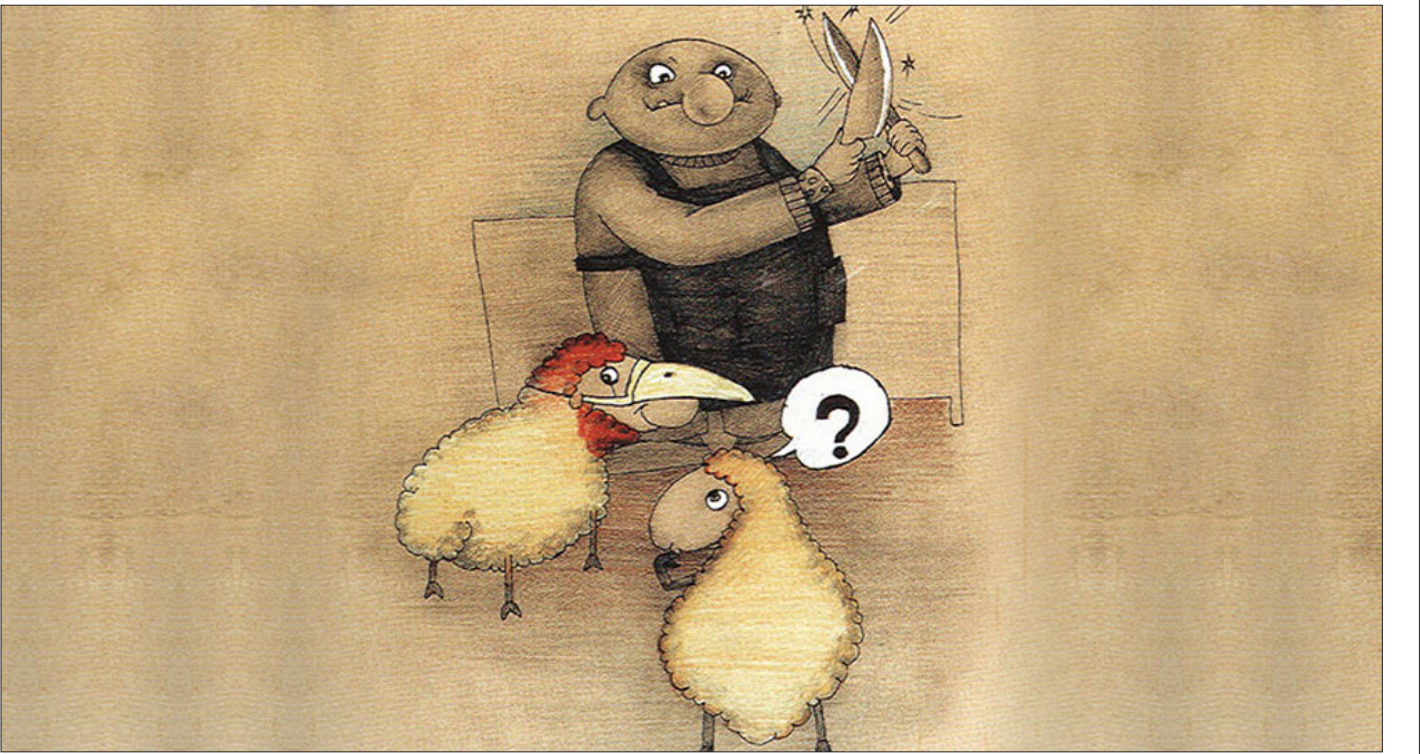
رمان «کمربند» نوشتهٔ احمد ابوده‌مان، نویسنده عربستانی، منتشر شد

احمد ابوده‌مان، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار در سال ۱۹۴۹ در روستایی در جنوب عربستان سعودی به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۲ در پاریس تشکیل خانواده داد. او مدیر دفتر روزنامه الریاض در پاریس و اولین نویسنده از شبه جزیره عربستان است که به فرانسوی می‌نویسد. ابوده‌مان در سال ۲۰۰۰ زندگی‌نامه‌اش را به شکل خاطراتی طنز و خواندنی در اولین رمانش با عنوان «کمربند» منتشرکرد. این کتاب به زبان‌های زیادی ترجمه شد و بعدها خود نویسنده آن را به عربی برگرداند.

در پیش‌گفتار این کتاب که به قلم نویسنده است می‌خوانیم: «می‌شود گفت سرنخ بچگی و جوانی‌ام یک جوهرهایی به ماقبل تاریخ ربط پیدا می‌کند. هیچ بعید نیست که بنایی تاریخی باشم. اخیراًپیش متخصص امراض پا رفتم. اولین بار بود که در زندگی‌ام به دیدن چنین کسی می‌رفتم و شک ندارم که خود او هم بار اولش بود، چون چندین ساعت بی‌وقفه با کف پایم ور رفت و دست آخر موفق شد چند خار فسیل شده در سنگ آهک پایم را بیرون بکشد.

اما من اینجا هستم. بین مردم پاریس و در سپیده‌دم سال ۲۰۰۰! برای من که زمانی تاریخ تولدم را هم نمی‌دانستم ماجراجویی بزرگی است! پیداییم نمی‌کنید چون سعی می‌کنم شکل شما باشم، خاکستری و بی‌تفاوت؛ اما آبی‌ای‌ام را مثل آتشی جاودان در دلم زنده نگه داشته‌ام. در پاریس، روزهای اول به همه مردم سلام می‌کردم، حتی در مترو. وقتی دیدم کسی جوایم را نمی‌دهد، سلام آن قدر آهسته‌شد که دیگر کسی صدایم را نمی‌شنید. هرچه داشتم به دیگران تعارف می‌کردم، مثلاً در قطاری که با آن یک روز به بزائسون می‌رفتم، اشتباهی ساندویچ‌زامیون را به خیال آنکه کیک است خریدم و سپس از بغل دستی‌ام در کوبه خواش کردم «کیک» را

گردش روزگار برعکس است

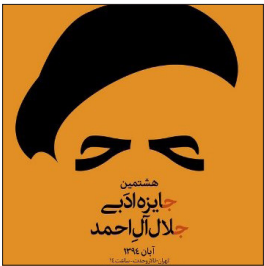


بدون شرح

طرح: Hassanova Raqima / جمهوری آذربایجان

با کاروان حله / اخبار هنر

هیات علمی جایزه جلال معرفی شد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی احکام انتصاب اعضای

هیئت علمی هشتمین دوره جایزه‌ادی جلال آل احمد را ابلاغ کرد. بر اساس احکام جداگانه دکتر علی چنتی، دکتر محمدرضا جوادی یگانه، دکتر مهدی حجوانی، سیدعبد‌العلی دستغیب، احمددهقان، حجت‌الاسلام محمدرضازناری، مصطفی مستور، راضیه‌تجاروبلقیس سلیمانی هشت‌عضوهیئت علمی هشتمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد هستند. متن حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خطاب به اعضای هیئت علمی جایزه جلال آل احمد به این شرح است: «عضو محترم هیأت علمی جایزه ادبی جلال آل احمد؛ با عنایت به مراتب علمی، فرهنگی و ادبی و تجارب ارزنده جناب عالی، به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب هیات امنای جایزه ادبی جلال آل احمد، به موجب این حکم به عنوان «عضو هیات علمی هشتمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد» منصوب می‌شوید. مقتضی است براساس وظایف مندرج در آیین‌نامه جایزه ادبی جلال آل احمد، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، اقدام لازم را منبذول فرمایید. از خداوند متعال مزید توفیق شما را آرزو مندم.» اعضای منتخب هیئت علمی پس از مشخص کردن سیاست‌های اجرایی و ملاحظات علمی این دوره از جایزه، به‌انتخاب‌دوران چهاربخش‌رمان، داستان کوتاه، نقد ادبی و مستندنگاری خواهند پرداخت. جایزه ادبی جلال آل احمد که گران‌ترین جایزه ادبی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ادبیات داستانی است، هر سال مقارن باسال روز تولد جلال آل احمد برگزار می‌شود و آثار برتر در چهار رشته رمان، داستان کوتاه، نقد ادبی و مستندنگاری‌را انتخاب می‌کند

فریاد حسین را شنیدیم همه از کوفه به سوی او دویدیم همه رفتیم به کربلا ولی برگشتیم از شمر امان‌نامه خریدیم همه (جلیل صفری‌بکی)

سوت بان



کمربند
نویسنده: احمد ابوده‌مان
مترجم: حسین سلیمانی‌نژاد
نشر نی
شمارگان: هزار نسخه
قیمت: ۱۲ هزار تومان

کمربند نویسنده: احمد ابوده‌مان
مترجم: حسین سلیمانی‌نژاد
نشر نی
شمارگان: هزار نسخه
قیمت: ۱۲ هزار تومان

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «خدایا اسرار من و خانواده‌ام را تا ابد پوشیده نگه‌دار! !» این دعا را همه اهالی روستا صبح و شب تکرار می‌کردند. جز حرام فرزانه که خودش بزرگ‌ترین راز بود و برای روستا سرّی واقعی محسوب می‌شد. مثل دیگران سرش را به طرف آسمان می‌گرفت، اما چیزی نمی‌گفت. همه‌مان می‌دانستیم که دهانش پر از کشمش است یا خرما… !»

منتشر نشده‌های بنان به بازار می‌آیند



آثار منتشرنشده زندمیاد غلامحسین بنان به زودی روانه بازار موسیقی می‌شود. انتشارات ماهر ترانه‌ها و آثار منتشرنشده زندمیاد غلامحسین بنان را بعد از ایام محرم و صفر منتشر می‌کند. این آثار موسیقایی در قالب پنج اثر مستقل منتشر می‌شوند. این آثار به آهنگ‌سازی هنرمندانی چون روح‌الله خالقی، علی‌نقی وزیری، اکبر محسنی و تعدادی دیگر از هنرمندان برجسته حوزه موسیقی انجام گرفته است که در سال‌های حیات

مرحوم بنان به صورت مستقل تولیدشدند اما تا به امروز در بازار منتشر نشده بودند. در تدوین و گردآوری این آثار همسر مرحوم بنان تلاش فراوانی داشته است. این آلبوم‌ها مجموعه‌های بسیار ارزشمندی هستند که به دلیل پراکنده بودن و متفاوت بودن کارها کمتر به گوش مخاطبان ایرانی رسیده‌اند. نکته جالب اینکه یکی از آلبوم‌ها مربوط به صفحه‌هایی است که مرحوم بنان آنها را در بازار موسیقی منتشر کرده‌بود اما مخاطبان کمتری به آن دسترسی داشته‌اند. غلامحسین بنان از سال‌های ۱۳۲۱ تا دهه ۱۳۵۰ در زمینه موسیقی ملی ایران فعالیت داشت. او عضو شورای موسیقی رادیو، استاد آواز هنرستان موسیقی تهران و بنیان‌گذار انجمن موسیقی ایران بوده‌است. از ترانه‌های بنان می‌توان به آهنگ آذر بایجان در دستگاه شور، آمدی جانم به قربان‌ت ولی حالا چرا در مایه بوسلیک، الهه‌ناز در مایه دشتی، بهار دل نشین در آواز اصفهان، بوی جوی مولیان در آواز اصفهان، تصنیف توشه عمر در دستگاه همایون، یار رمیده، می ناب، خاموش، مرا عاشقی شید، من از روز اول در دستگاه سه گاه، نوای در در آواز دشتی و سرود ای ایران در مایه دشتی اشاره کرد.

باشیم به هر قیمتی که شده بنویسیم. چون حاصل کار، چنان متن آشفته و مغلوطی خواهد بود که خودمان هم ـ احتمالاً ـ از خواندنش خجالت می‌کشیم. متأسفانه از وقتی دانش رواج یافت و قاطبه مردم از نعمت سواد برخوردار شدند روز به روز بر این اجبارها افزوده شد. ما مجبور شدیم انشا بنویسیم. مجبور شدیم نامه اداری بنویسیم. مجبور شدیم تحقیق درسی بنویسیم، مجبور شدیم به هم پیامک بدهیم. مجبور شدیم «همین الان بپویی» در فیس بوکمان چیزی بنویسیم، و همین‌طور که مشغول مجبور شدن بودیم، اشتباه نوشتیم و اشتباه‌اتمان را در اختیار دیگران قرار دادیم و گذشت و گذشت تا امروز که بدنوسی شده است بیماری مسری‌ای که هیچ واکسنی برای آن کشف نشده است و گمان نمی‌کنم دانشمندان و زبان‌شناسان آن سوی عالم دلیل موجهی برای کشف چنین واکسنی داشته باشند. دانشمندان خودمان هم بعید است دغدغه زبان مادری داشته باشند و بعیدتر آن است که فکر تهیه «واکسن بدنوسی» به ذهنشان خطور کند. ما واقعا می‌خواهیم با این بیماری مسری چه کنیم؟